

یک هفته پس از آن با لدتی آشکار نامه شوارندادزه را خواندم که ۴ می ۱۹۹۳ برایم ارسال شد به دلایل مشخص رئیس‌جمهور نمی‌توانست در نامه رسمی به محموله‌های سلاح که به کشورش رسیدند اشاره کند اما من به خوبی آنچه را که بین سطرها گفته شد خواندم: «با کمال میل قدرلانی خودمان را برای همدردی و توجهی که شما در قبال کشورمان داشتید اظهار می‌کنم. در وضعیت سخت اقتصادی که اکنون گرجستان در آن قرار دارد، مواد غذایی که رسید وضعیت ما را به طور قابل تشخیصی بهبود خواهد داد. درباره داروها، آن‌ها قبلاً رسیدند و به طور صحیح توزیع شدند. اجازه می‌خواهم تا از دو دیواره به نام مردم گرجستان تشکر کنم و امیدم را برای ادامه همکاری مشترک ابراز کنم.» دو نامه، نامه‌ای که برای شوارندادزه فرستادم و نامه پاسخ او در ۱۱ می در روزنامه گرجستان آزاد در تقطیس منتشر شدند. نخست‌وزیر هم به سرعت در مورد محموله داروها از من تشکر کرد که ابتدای ماه می میان بیمارستان‌ها در گرجستان توزیع شدند. سیگوا ۱۹ می ۱۹۹۳ نوشت: «به نام دولت جمهوری گرجستان و به نام خودم؛ اجازه می‌خواهم تا مراتب قدرانی خود را پیرامون عزم راستخیز تو ابراز کنم که همان را با حمایت خود به سربازان مجروح ارتش گرجستان ابراز کردید.

«امید و شکست» **خاطرات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیتی یعقوب نیمرودی برای اسرائیل – ۹۲**

عملیات نجات تانکر



اقدام افراد اکندهکننده داروها حاکی از تقویت روابط دوستانه میان کشورها و ماهیت روابط مبتنی بر شفقت و صداقت است. اجازه می‌خواهم تا به تو اطمینان دهم که ملت حق‌شناس گرجستان تلاش‌های خوب تو را به دنیا یادآور خواهند شد».

نامه‌ها و سخنان ستودنی مرا سربشار از غرور کرد، اما به عنوان یک تاجر احساس کردم که پولم را بر روی شاخ گوزن گذاشته‌ام. در عوض یک قوفل میهم، تسلیحاتی به ارزش تقریبی دو میلیون دلار به گرجستان فرستاده بودم تا به جبران، سوخت تولید گرجستان را دریافت کنم. اما آماده بودیم، و این امر را هم برای رئیس‌جمهور گرجستان و هم برای دستیارش روشن کردم که من با او در تماس پیوسته بودم، سلاح به رسم هدیه به آنها بخشیدم، در

فصل سیزدهم

۱. مقدمه

در درس پیشین، در ادامه بررسی حرکت‌های مردمی معاصر، به اولین حرکت‌های انقلابی امام خمینی و پیروان ایشان اشاره شد و روند تحولات در آن دوران؛ یعنی از آغاز نهضت انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۴۳ که سال تبعید امام خمینی به ترکیه و سپس عراق بود، مورد بررسی قرار گرفت. از آن زمان تا سالال ۱۳۵۵ وقایعی در تاریخ انقلاب اسلامی به وجود آمد که علی‌رغم نقش آن‌ها در تحولات بعدی، از اهمیت کمتری برخوردار هستند. این روز، بررسی تحولات ایسن دوره را به اهل تحقیق واکذار نموده، در این درس به شرح وقایع بعدی که از اهمیت بیشتری برخوردار است اشاره خواهیم کرد. به دلیل وقایع خاصی که در سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ اتفاق افتاد، آغاز موجی تازه در روند پیروزی انقلاب اسلامی بود. از این رو جادارد در این درس، به اجمال، رویدادهای وقع شده در این دو سال را مدنظر قرار داده، نقش آن‌ها را در پیروزی انقلاب اسلامی یادآور گردیم.

۲. **شهادت فرزندان امام و آغاز مرحله جدید نهضت**
حاج سید مصطفی خمینی، فرزند برومند امام خمینی، از روحانیون مبارزی بود که بعد از تبعید پدر خویش بازداشت و راهی تبعیدگاه گردید. وجود چنین شخصیتی می‌توانست خطری بزرگ برای رژیم پهلوی باشد، اما وی بدون داشتن هیچ‌گونه بیماری و یا علامت بیماری، ناگهان دارفانی را وداع می‌گوید و با توجه به روشن شدن نقش سلاوک در وقوع مرگ‌های مشکوکِ نظیر آن، مردم، سلاوک را عامل شهادت فرزند امام دانستند و به‌همین خاطر در ایران به حدی از او تجلیل نمودند که رژیم شاه را به عکس‌العمل واداشت. شهادت ایت‌الله سیدمصطفی خمینی، محیط‌رعب‌و وحشت حاکم بر کشور را شکست و مردم چون سیل خروشان برای سرنگونی دولت و رژیم شاهنشاهی به تکیاو افتادند. از این زمان ابتکار عمل در دست مردم و رهبری نهضت قرار می‌گیرد و کنترل اوضاع و جریانات از دست رژیم شاه خارج می‌شود.
۳. **اهانت به امام و قیام ۱۹ دی قم**
در روز ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات، مقاله‌ای از احمد رشیدی مطلق به چاپ رسید که در آن به امام خمینی توهین شده و نسبت‌های ناروایی به ایشان داده شده بود. با انتشار این مقاله در سطح کشور، اعتراضات گسترده‌ای آغاز گردید. مردم قم در این اعتراضات پیشتاز بودند و در پایان شب ۱۸ دی ماه، در مسجد اعظم قم، شعارهایی در حمایت از امام خمینی و در مخالفت با رژیم پهلوی در مورد مردم در نقاط گسترده مردم قم تبدیل به قیامی خونین گردید و با دخالت نیروهای نظامی،

ماه محرم و یادآوری حماسه عاشورا همواره محر کی قوی در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی بوده است.
محرم سال ۱۳۹۹ ق، نیز نشانی بسزا در روند تحولات انقلاب اسلامی داشت. مردم مسلمان، در تداوم حرکت‌های مستمر انقلابی خود، از آموزه‌های قیام امام حسین بهره برده، در ابتدای ماه محرم، بر فراز باهمای منازل خود فریاد الله اکبر و لا اله الا الله سر دادند و در واقع تظاهراتی عظیم را در تهران و شهرهای دیگر شکل دادند، بدون آن‌که مأموران بتوانند آنان را مورد تعرض قرار دهند.

ارای هیچ چیز و صرفاً به این خاطر که از آنها پاسخ به یک سؤال حساس دریافت کنیم؛ رون آزاد زنده است یا مرده؟ با وجود پاسخ منفی که از ایران دریافت کردند، خواستم بدانم آیا آن‌ها می‌توانند به من اطلاعات جدید و موثقی درباره سرنوشت آن‌ا افسر بدهند. با پرسووسر زامزوف در تقطیس تماس گرفتم و از وی خواستم که مجدداً به شوارندادزه صحبت کند. زامزوف پس از مدت کوتاهی نزد من برگشت. به من گفت: «یعقوباً گرجستانی‌ها دیواره به ایرانی‌ها مراجعه کردند اما همان طور که به نظر می‌رسد در ایران چیزی درباره آن‌ا افسر نمی‌دانند. با شوارندادزه صحبت کردم. آن‌ها می‌خواهند تانکر سوختی را که به قول دادند برایت بفراستند و خواستند تا زمانی که تانکر را دریافت نکرده‌ای کمک دیگری برایشان نفرستی. صورت‌حساب محموله تانکر دیزل را دریافت کردم و من بلافاصله به لندن رفتم».

پس از گفت وگو با زامزوف، شروع به ارزیابی کردم تا تانکر سوخت را دریافت کنم. «ن» به پالایشگاه در حیفا فرستادم تا آنجا با چند تن از افراد کلیدی در بازار سوخت در اسرائیل ملاقات کند تا از آنها مجوز تجارت سوخت و فرآورده‌هایش را بیاమوزد؛ تر کبیات شیمیایی، قیمت‌های بورس در جهان، داد و ستدهای مختلف که با

پس از گفت وگو با زامزوف، شروع به ارزیابی کردم تا تانکر سوخت را دریافت کنم. «ن» را به پالایشگاه در حیفا فرستادم تا آنجا با چند تن از افراد کلیدی در بازار سوخت در اسرائیل ملاقات کند تا از آنها رموز تجارت سوخت و فرآورده‌هایش را بیاమوزد: ترکیبات شیمیایی، قیمت‌های بورس در جهان، داد و ستدهای مختلف که با آن‌ها می‌توان ارتباط پیدا کرد و غیره.

با شورش‌های ابخازی او تقریباً از فاصله کوتاهی توسط تانک شورشی‌ها که مقابل ماشینش حرکت می‌کرد مورد اصابت قرار گرفت. خوشبختانه تانک آسیب مستقیم واقعی خورد قبل از اینکه موفق شودو بر ماشین رئیس‌جمهور آتش بگشاید. زندگی در گرجستان و در منطقه پایتخت تقطیس غیر قابل تحمل شده بود. اطراف پایتخت راهزنان جاده‌ها مستقر بودند و به زور سلاح از عبور آزاد در راه‌ها مانعت می‌کردند. کسی که از پرداخت وجه سسر باز می‌زد در محل تیر می‌خورد. کامیون‌های باری که از بنادر خارج می‌شدند به مقصدشان نمی‌رسیدند. وسایل نقلیه خصوصی بروس در جهان، داد و راندگان‌شان تیر می‌خوردند و اسست که اصالت گرجستانی دارد و برادرزاده زنده‌باد سرتیپ پکوتیلر آدم، در واحد ۱۰۱ تحت فرماندهی آریل شارون و بعداً در واحد چترپاران خدمت کرد. در جنگ سینا به خاطر کشف ابتکار و مدیریت نبرد مدال شجاعت کسب کرد. در واحد چترپاران سربازی بود که در نبرد خونین در تنگه میتلا مقابل نیروهای بزرگ سربازان مصری که در محل موضع خود را مستحکم کردند، شرکت کرد. پس از اینکه همه افسران واحد کشته شدند سرخوجه «باشا» فرماندهی را به عهده گرفت و جنگ را تا اجرای مأموریت ادامه داد. پس از اینکه ارتش را ترک کرد، سال‌های بسیاری به تجارت ادامه داد در موضوعاتی که سکوت برای آنها زیباست. فهمیدم که او شخص مناسبی است تا از قلب گرجستان تانکر دیزلم را برایم خارج کند. او به دفترم آمد و به طور خلاصه شنید درباره چه چیزی صحبت می‌شود. «به گرجستانی‌ها مواد غذایی و دارو فروختمام و معاوضه مطمئنی دریافت نکرده‌ام.» به دارو گفتم. «من به کسی نیاز دارم تا به گرجستان سفر کند و از آنجا تانکر دیزل را خارج کند» یک کلمه درباره سلاح نگفتم اما «باشا» سریع فهمید درباره چه صحبت می‌شود و به من چسکم زد. او به گوشی دادن به جزئیات ادامه داد و لیخند خبیث معروفش را نثارم کرد. برایش توضیح دادم که این مأموریت ساده نیست. در کشور گفته شده که در وضعیت جنگ داخلی و فروپاشی فراگیر قرار دارد. «باشا» برانگیخته نشد. او پس از این که مرا آرام کرد دفترم را ترک گفت: «تو از گرجستانی‌ها همه آنچه را که به تو می‌رسد دریافت خواهی کرد».

در حقیقت، اطلاعاتی هم که در اختیار من بود کامل نبود. از گرجستانی‌ها اطمینان داشتم که تانکر دیزل با دوازده و نیم هزار تن نفت به ارزش دو میلیون دلار در بندر ناومی منتظر من است. فراتر از آن چیز زیادی نمی‌دانستیم. مأموریت «باشا» پیچیده بود؛ به تقطیس برود و با وزیر انرژی و نفت گرجستان دیدار کند؛ از او رسید محموله کشتی را دریافت کند؛ تانکر را در بندر ناومی مکان‌یابی کند؛ تا زمانی که در بندر است از آن نگهداری کند و مراقب باشد تا تانکر به سلامت از گرجستان خارج شود. سساک نبود اما از شجاعت و اطمینانی که بروز می‌داد شگفت‌زده شدم.

علامه محمدتقی مصباح یزدی

انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن – ۲۶

آغاز موجی تازه در انقلاب



مردم را تحریک نمود و آنان ضمن بیان شعارهای انقلابی، به مأموران یورش بردند و با آتش کشیدن وسایل متعلق به پلیس و دولت، راهپیمایی بزرگی را آغاز کردند. پلیس هم وارد عمل شد و به سوی مردم تیراندازی نمود. در نتیجه، انبوهی از کشتگان و مجروحین راهی بیمارستان‌ها شدند که در اثر تیراندازی مأموران به چنان وضعیتی دچار شده بودند. مردم یزد نیز به پیروی از فرمان امام خمینی، در روزهای ۹ و ۱۰ فروردین ۱۳۵۷، حماسه‌ای دیگر آفریدند. مردم آن دیار با تحریم عیدنوروز، به برپایی مجالس بزرگ‌نشانی شهادی قم و تبریز اقدام کردند. در راهپیمایی‌های پرشور مردم یزد، خواسته‌های ایشان مبنی بر بازگشت امام از تبعید، آزادی زندانیان سیاسی و برچیده شدن رژیم پهلوی بیان گردید. با دخالت نیروهای امنیتی رژیم شاه و تیراندازی آنان به سوی مردم، جمع زیادی از آنان به شهادت رسیدند و با مجروح شدن این سیر تحولات باعث وحشت رژیم پهلوی گردید و به‌همین خاطر روحانیون زیادی را روانه تبعیدگاه‌ها و عده‌رایی از انقلابیون را روانه بازداشتگاه‌ها نمود. البته در شهرهای دیگری همچون کرمان، شیراز، اصفهان، چهرم و اهواز نیز این اعتراضات وجود داشت و حرکت‌های مردمی آن مناطق نیز به شدت رژیم شاه را به وحشت انداخت.

۵. عید فطر، نقطه عطف حضور مردم

۱۳ شهریور ۱۳۵۷، یکی دیگر از نقاط عطف انقلاب اسلامی است؛ چراکه این روز مصادف با عید فطر بود و نماز به مأموران یورش بردند و با آتش کشیدن وسایل متعلق به پلیس و دولت، راهپیمایی بزرگی را آغاز کردند. پلیس هم وارد عمل شد و به سوی مردم تیراندازی نمود. در نتیجه، انبوهی از کشتگان و مجروحین راهی بیمارستان‌ها شدند که در اثر تیراندازی مأموران به چنان وضعیتی دچار شده بودند. مردم یزد نیز به پیروی از فرمان امام خمینی، در روزهای ۹ و ۱۰ فروردین ۱۳۵۷، حماسه‌ای دیگر آفریدند. مردم آن دیار با تحریم عیدنوروز، به برپایی مجالس بزرگ‌نشانی شهادی قم و تبریز اقدام کردند. در راهپیمایی‌های پرشور مردم یزد، خواسته‌های ایشان مبنی بر بازگشت امام از تبعید، آزادی زندانیان سیاسی و برچیده شدن رژیم پهلوی بیان گردید. با دخالت نیروهای امنیتی رژیم شاه و تیراندازی آنان به سوی مردم، جمع زیادی از آنان به شهادت رسیدند و با مجروح شدن این سیر تحولات باعث وحشت رژیم پهلوی گردید و به‌همین خاطر روحانیون زیادی را روانه تبعیدگاه‌ها و عده‌رایی از انقلابیون را روانه بازداشتگاه‌ها نمود. البته در شهرهای دیگری همچون کرمان، شیراز، اصفهان، چهرم و اهواز نیز این اعتراضات وجود داشت و حرکت‌های مردمی آن مناطق نیز به شدت رژیم شاه را به وحشت انداخت.

۵. عید فطر، نقطه عطف حضور مردم

هدایت و برنامه‌ریزی پیامدهای ملک شماره ۶۶۶ بزرگ‌ترین چالش و تجربه یادگیری شغلی من بود. به طول انجامید. تصمیم گرفتم تا از فرصت استفاده کنم برای اینکه بدھی را برگردانم –تانکر سوختی که برایم می‌رسید. «متخصص» عملیات‌های ویژه، آبشالوم (باشا) آدم را به سوی خود احضار کردم.

آشنایی من با «باشا» سال‌های بسیار پیش از این شروع شد. او قبلاً در پست‌های جنگی در سروس‌های اطلاعاتی خدمت می‌کرد و زمانی که زمان خدمتش به پایان رسید و به بازار خصوصی رفت، نامش به عنوان متخصص عملیات‌های ویژه به اقصی نقاط رفت. حتی امروزه وقتی که او به سن بازنشستگی نزدیک می‌شود، من متقاعد می‌شوم که او می‌تواند جوانان بخش قوانین عملیات‌های ویژه را آموزش دهد. «باشا» فرزند خانواده‌ای است که اصالت گرجستانی دارد و برادرزاده زنده‌باد سرتیپ پکوتیلر آدم، در واحد ۱۰۱ تحت فرماندهی آریل شارون و بعداً در واحد چترپاران خدمت کرد. در جنگ سینا به خاطر کشف ابتکار و مدیریت نبرد مدال شجاعت کسب کرد. در واحد چترپاران سربازی بود که در نبرد خونین در تنگه میتلا مقابل نیروهای بزرگ سربازان مصری که در محل موضع خود را مستحکم کردند، شرکت کرد. پس از اینکه همه افسران واحد کشته شدند سرخوجه «باشا» فرماندهی را به عهده گرفت و جنگ را تا اجرای مأموریت ادامه داد. پس از اینکه ارتش را ترک کرد، سال‌های بسیاری به تجارت ادامه داد در موضوعاتی که سکوت برای آنها زیباست. فهمیدم که او شخص مناسبی است تا از قلب گرجستان تانکر دیزلم را برایم خارج کند. او به دفترم آمد و به طور خلاصه شنید درباره چه چیزی صحبت می‌شود. «به گرجستانی‌ها مواد غذایی و دارو فروختمام و معاوضه مطمئنی دریافت نکرده‌ام.» به دارو گفتم. «من به کسی نیاز دارم تا به گرجستان سفر کند و از آنجا تانکر دیزل را خارج کند» یک کلمه درباره سلاح نگفتم اما «باشا» سریع فهمید درباره چه صحبت می‌شود و به من چسکم زد. او به گوشی دادن به جزئیات ادامه داد و لیخند خبیث معروفش را نثارم کرد. برایش توضیح دادم که این مأموریت ساده نیست. در کشور گفته شده که در وضعیت جنگ داخلی و فروپاشی فراگیر قرار دارد. «باشا» برانگیخته نشد. او پس از این که مرا آرام کرد دفترم را ترک گفت: «تو از گرجستانی‌ها همه آنچه را که به تو می‌رسد دریافت خواهی کرد».

به من گفتند که دوستی جدا از تجارت است و آنها قرار است هر کاری که در توان دارند انجام دهند تا مطمئن شوند که ساختمان را از دست خواهیم داد. خوشبختانه، دیگران بزرگوارتر بودند و تمام تلاش خود را برای بشردوستانه منتهی‌المن منتظر من است. فراتر از آن چیز زیادی نمی‌دانستیم. مأموریت «باشا» پیچیده بود؛ به تقطیس برود و با وزیر انرژی و نفت گرجستان دیدار کند؛ از او رسید محموله کشتی را دریافت کند؛ تانکر را در بندر ناومی مکان‌یابی کند؛ تا زمانی که در بندر است از آن نگهداری کند و مراقب باشد تا تانکر به سلامت از گرجستان خارج شود. سساک نبود اما از شجاعت و اطمینانی که بروز می‌داد شگفت‌زده شدم.

که در موقعیت شما هستند به دنبال سوااستفاده از وام دهندگان خود هستند. من از واقع گرایی شما قدردانی می‌کنم و برای حل این موضوع با شما همکاری خواهم کرد.» پس از نجات سرمایه‌گذاری خود در ساختمان ۶۶۶، من از شکست در تجارت نمی‌ترسیدم. یاد گرفتم که چگونه روی تصمیمات مهم تمرکز کنم و حواس پرتی‌های جزئی را نادیده بگیرم.

من در کاهش جنبه‌های منفی احتمالی، پذیرش ریسک‌های حساب شده، شناسایی روندهای بازار و توسعه در محله‌های رو به رشد بهتر عمل کردم.

اولین معامله موفق من در شهر نیویورک خرید ساختمانی در خیابان لافایت ۲ شماره ۲۰۰ از جان زاکارو ۲ بود.

خاطرات «جرد کوشنر» داماد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا – ۱۲

من از شکست در تجارت نمی‌ترسیدم

پس از نجات سرمایه‌گذاری خود در ساختمان ۶۶۶، من از شکست در تجارت نمی‌ترسیدم. یاد گرفتم که چگونه روی تصمیمات مهم تمرکز کنم و حواس پرتی‌های جزئی را نادیده بگیرم. من در کاهش جنبه‌های منفی احتمالی، پذیرش ریسک‌های حساب‌شده، شناسایی روندهای بازار و توسعه در محله‌های رو به رشد بهتر عمل کردم.

هیچ کس فکر نمی‌کرد که او فروشنده باشد و هرگز ملکش را بفروشد. با او ملاقات کردم و به او پیشنهاد دادم که فورا پول را کنار بگذارم و هر قراردادی را که جلوی من گذاشت امضا کنم. در حالی که ساختمان در شکل وحشتناکی بود، می‌دانستم که اگر به طرح تجاری خود دست پیدا کنم، سود قابل توجهی به دست خواهم آورد. در آن زمان، به برادرم کمک می‌کردم تا کسب‌وکار سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز خود، تریو کپییتال ۲ را راهاندازی کند، و دیدم که استراتاپ‌هایی مانند او به دنبال فضای اداری مدرن‌تری هستند که هنوز در نیویورک وجود نداشتند.

اول محرم ۱۳۹۹ ق، یابیناهی صادر کرد و مبارزات مردمی را در ماه محرم آن سال جهت یخشید. به طوری که دامنه اعتراضات به اغصاب‌های کشوری کشیده شد و این امر رژیم را واداشت تا دست به کشتارهای دیگری بزند و حتی عدای را در حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام به رنگار ببندد. تسوعا و علواری آن سال نیز حاکی از روح حماسی و حسینی در میان انقلابیون بود. ایت‌الله طالقانی اعلام کرد که در روز تسوعا با وجود تمام خطرات، در راهپیمایی شرکت خواهد کرد و به دنبال این اعلام، مردم نیز از سوی گروه‌ها و جمعیت‌های مختلف، به این راهپیمایی دعوت شدند. در نتیجه، رژیم زار شد اجازه راهپیمایی را به آنان بدهد، در این روز و نیز در روز عاشورا تظاهرات‌های میلیونی بر گراز گردیدند و این راه‌حاکمی از آن بود که در ایران زمینه یک انقلاب، کملاً فراهم است.
۹. **فرار شاه به خارج**

گسترش اعتراضات خیابانی و خارج شدن کنترل کشور از اختیار مأموران رژیم، شاه را وادار ساخت تا در ۲۶ دی ماه امور کشور را به شاپور بختیار واگذار کند و خود به نام معالجه و رفع خشکی راهی مصر گردد، غافل از این‌که این سفر بازگشتی به دنبال ندارد و پیروزی انقلاب اسلامی را

در روز ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات، مقاله‌ای از احمد رشیدی مطلق به چاپ رسید که در آن به امام خمینی توهین شده و نسبت‌های ناروایی به ایشان داده شده بود. با انتشار این مقاله در سطح کشور، اعتراضات گسترده‌ای آغاز گردید. مردم قم در این اعتراضات پیشتاز بودند و در پایان شب ۱۸ دی ماه، در مسجد اعظم قم، شعارهایی در حمایت از امام خمینی و در مخالفت با رژیم پهلوی سر دادند. در فردای آن روز تظاهرات گسترده مردم قم تبدیل به قیامی خونین گردید.

که بتوانند به اسودگی، پیام خود را به گوش مردم انقلابی ایران برسانند. ناگفته نماند که با تلاش برخی از یاران نزدیک امام خمینی، بنیادپایان از عراق راهی کویت کردند، لیکن در مرز عراق و کویت، مأموران گمرکی کویت، مانع ایشان شدند و امام تصمیم گرفتند به فرانسه هجرت کنند. از آن پس یابیناه‌ها و پی‌های امام خمینی آسان‌تر به دست طرفداران ایشان می‌رسید و انقلاب هر چه بیشتر به اهداف خود نزدیک می‌شد.

۸. شورای انقلابی در محرم حسینی

قوی در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی بوده است. محرم سال ۱۳۹۹ ق، نیز نشانی بسزا در روند تحولات انقلاب اسلامی داشت. مردم مسلمان، در تداوم حرکت‌های مستمر انقلابی خود، از آموزه‌های قیام امام حسین بهره برده، در ابتدای ماه محرم، بر فراز باهمای منازل خود فریاد الله اکبر و لا اله الا الله سر دادند و در واقع تظاهراتی عظیم را در تهران و شهرهای دیگر شکل دادند. بدون آن که مأموران بتوانند آنان را مورد تعرض قرار دهند، این فریادهای علاوه بر پای منازل به خیابان‌ها و مساجد نیز کشیده شد و هر لحظه بر جمعیت مردم در کوچه و خیابان‌ها افزوده گردید. کشتار جمعی از تظاهرات کنندگان توسط مأموران نیز نتوانست این حرکت حماسی را خاموش کند. امام خمینی به مناسبت کشتار مردم در

صفحه ۱۰

چهارشنبه اول مهر ۱۴۰۵

۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۴۲

من فکر می‌کردم این ساختمان می‌تواند به عنوان یک محل دنج جدید به‌کار رود. بعد از اینکه زاکارو را متقاعد کردم که ساختمان را به من ۵۰ میلیون دلار بفروشد، به دنبال شریکی رفتم تا باهم بتوانیم معامله را انجام دهیم. آوی شمش ۲، یک مهاجر اسرائیلی را پیدا کردم که با باغبانی شروع کرد و یک شرکت املاک و مستغلات چند میلیارد دلاری ساخت.

وقتی من و آوی روی پشت‌بام خیابان لافایت ۲۰۰ ایستاده بودیم، او پرسید: «طبقه‌ها چند متر هستند؟»

من پاسخ دادم: «هفده هزار فوت مربع قابل اجاره.» او پرسید که آیا این اندازه مناسب برای مستاجر مورد نظر من است؟ و من جواب دادم: «این چیزی است که ما داریم.» او از صداقت و اشتیاق من برای این پروژه خوشش آمد.

می‌دهم، اما نه به خاطر ساختمان. من روی تو شرط می‌بندم.» بعد از بیست ماه از اجرای طرح، ساختمان را نزدیک به ۱۵۰ میلیون دلار فروختم.

پس از آن موفقیت، من یک خرید عمده انجام دادم و بیش از دوازده هزار آپارتمان در سراسر کشور خریداری کردم و مبلغ ۱۴میلیارد دلار معامله در حدود ده سال انجام دادم. یکی از بهترین معاملاتی که انجام دادم خرید دفتر مرکزی «شاهدان بیهو» در بروکلین بود. وقتی شنیدم دارند می‌فروشند، با نماینده آنها دن راس ۲ تماس گرفتم و از او خواستم اجازه دهد در حراج آنها شرکت کنم. این املاک که در رودخانه در کنار پل بروکلین قرار دارد، باور نکردنی بود. آن‌ها بهترین ساختمان‌هایی بودند که من تا به حال دیدم‌ام. آن‌قدر تمیز بودند که می‌توانستید از کف طبقات غذا بخورید.

آن روز به دفتر نماینده رفتم و ترسیدم چقدر می‌خواهد؟ او مظنه ۳۲۵ تا ۳۵۰ میلیون دلار را داد. به او گفتم اگر قول بدهد که حراجی نداشته باشد، ۳۷۵ میلیون دلار می‌پردازم. با هیئت‌مدیره‌اش تماس گرفتم، تاییدیه گرفت و با من دست داد. روز بعد، یکی از رقیبان به او قیمت بیشتری پیشنهاد داد، اما او گفت: «نه، ما شاهدان بیهو هستیم. ما به قول خود احترام می‌گذاریم.» او ملک را به من فروخت و پس از بازسازی و تغییر نشان تجاری، اکنون نزدیک به یک میلیارد دلار ارزش دارد.

پانوشته‌ها:

- Tom Barrack.
- Lafayette Street.
- John Zaccaro.
- Thrive Capital.
- یک شرکت سرمایه‌گذاری است که در اینترنت، نرم‌افزار و شرکت‌های دارای فناوری می‌مزد و سرمایه‌گذاری می‌کند
- Avi Shemesh
- Jehovah's Witness؛ دستانی از مسیحیان که به شهادت خداوند و به بازگشت عیسی پس از هزار سال دیگراعتقاددارند
- Dan Rice.

پرستل هوایی تصمیم می‌گیرند با هواییعامی اختصاصی اسام را از پاریس به تهران منتقل کنند، ولی دولت مانع می‌شود. مخالفت دولت با ورود امام به ایران، بازتاب گسترده‌ای داشت و در اطراف فرودگاه اجتماعات بزرگ اعتراضی شکل گرفت. در واقع بعد از تصمیم امام به بازگشت به ایران و مخالفت رژیم پهلوی این مسئله در رأس همه مسائل قرار گرفت و اولین خواست اجتماعات بزرگ گردید در این رابطه، مسجد دانشگاه تهران، به مرکز نقل و انتقال شهیدان و روحانیان و به مرکز تجمع و تظاهرات، باشد. امام خمینی در میان انقلابیون بود. ایت‌الله طالقانی اعلام کرد که در روز تسوعا با وجود تمام خطرات، در راهپیمایی شرکت خواهد کرد و به دنبال این اعلام، مردم نیز از سوی گروه‌ها و جمعیت‌های مختلف، به این راهپیمایی دعوت شدند. در نتیجه، رژیم زار شد اجازه راهپیمایی را به آنان بدهد، در این روز و نیز در روز عاشورا تظاهرات‌های میلیونی بر گراز گردیدند و این راه‌حاکمی از آن بود که در ایران زمینه یک انقلاب، کملاً فراهم است.
۹. **فرار شاه به خارج**

گسترش اعتراضات خیابانی و خارج شدن کنترل کشور از اختیار مأموران رژیم، شاه را وادار ساخت تا در ۲۶ دی ماه امور کشور را به شاپور بختیار واگذار کند و خود به نام معالجه و رفع خشکی راهی مصر گردد، غافل از این‌که این سفر بازگشتی به دنبال ندارد و پیروزی انقلاب اسلامی را

- سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۲۱۹.
- چواد منصور، سیر تکوینی اسلام، ج ۱، ص ۳۰۹.
- ۲- امام خمینی، نهضت روحانیون ایران، ج ۱، ص ۳۸۱.
- ۴- همان، ج ۱، ص ۲۰۱.
- ۵- همان، ج ۱، ص ۲۳۹.
- ۶- همان، ج ۱، ص ۷.
- ۷- سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ص ۴۰۱.
- ۸- امام خمینی، حقیقه ابدام، مجامع‌ها، احکام، اجازات شرعی و لمبه‌ها، ج ۶، ص ۱۲ – ۱۶.